**جلسه 79-191**

**سه‌شنبه – 15/12/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به جواز نظر به مطلق محارم از جمله مادرزن بود.

که استدلال کردند به موثقه سماعه که در خصوص دست‌دادن به مطلق کسی است که ازدواج با او حرام است که شامل مادرزن می‌‌شود. و همین‌طور موثقه سماعه دیگر که راجع به تغسیل زنی است که مرحوم شده، ‌محرمش می‌‌خواهد او را تغسیل بدهد امام فرمود من وراء الثیاب تغسیلش بدهد. که آقای خوئی فرمود این عادتا ملازم با نظر هست.

ما هم فی الجملة پذیرفتیم و لو موثقه سماعه اول راجع به دست‌دادن است، ‌موثقه سماعه دوم هم جواز نظر فی الجملة را می‌‌فهماند که بعدا توضیح خواهیم داد.

اما مشکل ما این است که نسبت این دو موثقه با آیه شریفه و لایبدین زینتهن الا لبعولتهن أو آباء بعولتهن الی آخر، عموم من وجه است. آیه شریفه می‌‌گوید ابداء زینت برای غیر این افراد که نام بردیم، حرام است، ‌داماد خارج است از مستثنیات پس اطلاق آیه می‌‌گوید ابداء زینت نزد داماد حرام است. موثقه سماعه می‌‌گوید محارم می‌‌توانند نگاه بکنند به زنان محرم مطلقا و لو داماد بخواهد به مادرزن نگاه بکند. این هم مطلق است، نسبت عموم من وجه است. باید مبنای‌مان را در اصول ببینیم چیست؟ آیا اطلاق حدیث در تعارض با اطلاق کتاب می‌‌شود لاحجة از باب این‌که ما خالف کتاب الله فهو مردود؟ اگر این را بگوییم و بگوییم عرفا اطلاق این خبر مخالف اطلاق کتاب است، ‌مرجع عموم مستثنی‌منه و لایبدین زینتن است که شامل داماد هم می‌‌شود می‌‌گوید لایبدین زینتهن نزد دامادشان. اگر مثل آقای خوئی بگوییم نه، ‌اطلاق خبر با اطلاق کتاب تعارض و تساقط می‌‌کنند یا بگوییم این مقدار از تنافی به عموم من وجه‌های ظریف خبر را مخالف کتاب نمی‌کند که بحثش موکول است به اصول، ‌طبعا می‌‌شود تعارض به عموم من وجه تساقط می‌‌کنند در مورد جواز ابداء زینت مادرزن نزد دامادش. اگر عام فوقانی داشتیم، قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم شامل مادرزن هم می‌‌شد می‌‌گفت نظر به مادرزن حرام است، باید رجوع کنیم به این عام فوقانی.

و لکن به نظر ما این عام فوقانی دال بر حرمت نظر بقول مطلق نیست. حالا بگذریم که مرحوم آقای خوئی آیه را اصلا جور دیگری معنا کرد، فرمود قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم یعنی چشم‌پوشی کنند مؤمنین از زنان دیگر غیر از همسرشان، قطع طمع کنند از آن‌ها. مثل این‌که می‌‌گویند از مال دیگران چشم‌پوشی کن یعنی استمتاع نبر. اگر این را بگوییم که این آیه دلیل بر حرمت نظر نیست. ولی اگر ما بگوییم کما هو الظاهر الموافق للمشهور که آیه شریفه می‌‌گوید غض بصر کنید یعنی نگاه‌تان را پایین بیندازید، وقتی می‌‌خواهند بگویند به چیزی نگاه نکن می‌‌گویند نگاهت را پایین بینداز، ‌راجع به دخول در حمام حدیث داشت: ادخله بإزار و غض بصرک.

و لکن اشکالی که ما داریم این است که حذف متعلق مفید عموم نیست. نگاه نکنند مؤمنین، به چه چیزی نگاه نکنند؟ به مطلق زنان؟ یا به زنان اجنبیه؟ یا به عورت انسان‌های دیگر که مرحوم آقای طباطبایی و آقای حکیم، ‌آقای طباطبایی در المیزان، ‌آقای حکیم در مستمسک این را احتمال دادند که البته ما خلاف ظاهر می‌‌دانیم که یغضوا من ابصارهم در خصوص نظر به عورت غیر باشد. با ‌شأن نزول آیه هم جور نمی‌آید که صحیحه سعد الاسکاف بود، ‌دیروز یا پریروز [نقل کردیم] که آن جوان انصاری دنبال یک زن زیبایی راه افتاد‌، چنان مات و مبهوت او بود که سرش به یک مانعی که از دیوار بیرون آمده بود خورد، ‌سرش زخمی شد و او متوجه نشد تا بعد از این‌که غائب شد آن زن، ‌بعد آمد نزد پیامبر شکایت کرد که خلاصه این زن‌ها چرا این‌جوری می‌‌گردند که دل ما را می‌‌برند؟ آیه هم نازل شد:‌ قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم، ‌خوش انصاف! همه گناهان را گردن آن زن‌ها نگذار، خودت هم یک چیزیت می‌‌شود، قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم. [پس آیه] مختص به نظر به عورت نیست.

ما به نظرمان این آیه هم به لحاظ حذف متعلق که مفید عموم نیست. این را بارها عرض کردیم: حذف متعلق مفید عموم نیست. اگر بگویند ما شما را نهی می‌‌کنیم از ظرف طلا و نقره، متعلق محذوف است، ‌ظرف طلا و نقره که قابل نهی نیست، ‌از چه چیزی از آن نهی می‌‌کنید؟ استعمال آن، ‌اکل و شرب از آن؟ حذف متعلق مفید عموم نیست. عرف ناقص می‌‌بیند این خطاب را. أنهاکم عن استعمال آنیة الذهب یا انهاکم عن الاکل و الشرب من آنیة الذهب. در مانحن‌فیه یغضوا من ابصارهم ‌از کل موجودات؟ می‌‌گویید انصراف دارد به شیء متناسب، خب شیء متناسب چیست؟ قدرمتیقنش زن اجنبیه است.

مخصوصا که سیره به منزله قرینه لبیه متصله بوده و عرف می‌‌گوید این آیه نمی‌خواهد بگوید پسر به مادرش نگاه نکند، پدر به دخترش نگاه نکند. قرینه لبیه متصله است که ناظر به محارم نیست، دیگه ظهور اطلاقی پیدا نمی‌کند که بگوییم شامل مادرزن می‌‌شود.

[سؤال: ... جواب:] مخصص منفصل که نیست، ‌مختصص لبی متصل است، ‌اجمالش سرایت می‌‌کند به خطاب. ... تصریح به خواهر و برادر که نمی‌کنند؛ ‌اجمالا می‌‌گویند محارم، نزدیکان انسان.

عرض کردم هم ارتکاز متشرعی هم این‌که حذف متعلق مفید عموم نیست منشأ می‌‌شود که به این آیه نتوانیم استدلال کنیم.

[سؤال: ... جواب:] ارتکاز در زمان نزول این آیه بر این بود که می‌‌شد به محارم نگاه کنیم و لو فی الجملة. ... ارتکاز متشرعه را عرض می‌‌کنم نه فعل جاهلیت را. ...ارتکاز متشرعه استنکار می‌‌کنند که شارع بیاید بگوید که پدر به دخترش نگاه نکند، ‌پسر به مادرش نگاه نکند، ‌چون این‌ها محارمند.

بله، مخصص لفظی منفصل اگر بود می‌‌گفتیم شامل مادرزن نمی‌شود اما فرض این است متصل است و مانع از انعقاد ظهور است در خطاب عام.

[سؤال: ... جواب:] آیه می‌‌شود عام فوقانی. ... موثقه سماعه با آیه لایبدین زینتهن نسبتش عموم من وجه است و اگر گفتیم اطلاق خبر با اطلاق آیه تعارض و تساقط می‌‌کنند رجوع می‌‌کنیم به عام فوقانی، ‌قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم عام فوقانی است، ‌طرف معارضه نیست.

[سؤال: ... جواب:] لایبدین زینتهن الا لبعولتهن. ... فرض این است در کنار هم است: و لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها و لایبدین زینتهن الا لبعولتهن.

حالا که این عام فوقانی از کار افتاد رجوع می‌‌کنیم به اصل عملی. بناء ‌بر نظر مشهور أم الزوجة اصل عملیش چیه؟ استصحاب بقاء حرمت نظر بر داماد و حرمت کشف جسد بر مادرزن. نگویید آقا! موضوع عوض شده. نخیر، ‌حالات عوض شده و الا صحیح است این داماد بگوید تا دیشب که عقد نکرده بودیم با دختر این خانم حرام بود نگاه کنیم به این خانم، ‌استصحاب می‌‌گوید هنوز هم حرام است.

اما ما چون استصحاب در شبهات حکمیه را قبول نداریم نوبت می‌‌رسد به اصل برائت.

[سؤال: ... جواب:] موضوع عوض بشود مثل استحاله کلب ملحا، ‌موضوع عوض شده. نمی‌گوییم بگوییم هذا کان نجسا. ولی صحیح است در اینجا به این داماد اشاره کنیم، ‌جسارت نمی‌کنیم به آن مادرزن که با این مثالی که زدیم جسارت می‌‌شود، به این داماد اشاره می‌‌کنیم که یلیق به این‌که به او جسارت بشود، می‌‌گوییم این آقا تا دیروز حرام بود نظر کند به این مادرزن. این فرق می‌‌کند با آن کلب مستحیل ملحا.

و لکن الذی یسهل الخطب: مشهور که استصحاب در شبهات حکمیه را قبول دارند حتی در این احکام انحلالیه مثل حرمت نظر، حرمت کشف که احکام انحلالیه هستند قبول دارند، باز این سیره متشرعه کار خودش را می‌‌کند. مضافا به این‌که ما اطلاق آیه یغضوا من ابصارهم را قبول نکردیم چون حذف متعلق مفید عموم نیست.

[سؤال: ... جواب:] عمو، دائی، ‌داماد. ... موثقه سماعه: سألت اباعبدالله علیه السلام عن مصافحة الرجل المرأة، ‌مصافحه عرض کردم یعنی دست‌دادن، ‌الان هم در عرف عرب‌ها می‌‌گویند مصافحه، ‌یک وقت نروید روبوسی کنید با طرف، مصافحه یعنی فقط دست‌دادن... معانقه [می گویند، درست است] عن مصافحة الرجل المرأة قال لایحل للرجل ان یصافح المرأة الا امرأة یحرم علیه ان یتزوجها اخت او بنت او عمة او خالة او بنت اخت او نحوها و اما المرأة التی یحل له ان یتزوجها فلایصافحها الا من وراء الثوب و لایغمض کفها. ... ما که گفتیم این فقط جواز مصافحه را می‌‌فهماند و فی الجملة جواز نظر را. دیگه معلوم می‌‌شود که یک فرقی با غریبه دارند. فرق‌شان فقط همین دست‌دادن است؟ این عرفی نیست. اما اطلاق ندارد که دیگه کل بدن را می‌‌شود نگاه کرد غیر عورتین. منتها عرض کردیم در تعارض به عموم من وجه نسبت به مادرزن با آیه شریفه و لایبدین زینتهن الا لبعولتهن الی آخر تعارض می‌‌کنند. نسبت عموم من وجه است در مورد مادرزن و داماد تعارض می‌‌کنند.

[سؤال: ... جواب:] آقای خوئی در سیره در مادرزن اشکال نمی‌کند، ‌بعید می‌‌دانم. سیره قطعیه بوده. ... این‌که ما بگوییم این سیره‌ها نسبت به نگاه داماد به مادرزن یا بالعکس ناشی از فتاوا بوده، این درست نیست. ابتلاء عام بوده به مسأله ارتباط رفت‌وآمد بین داماد و مادرزن و لو کان حراما النظر الی رأسها و واجبا علیها ستر رأسها أمام الصهر و الداماد، ‌لو کان لبان و اشتهر، معنا ندارد در این سیره‌ها ما مناقشه کنیم.

[سؤال: ... جواب:] اصل جواز را ما حالا اثبات کردیم اما محدوده جواز را تازه داریم شروع می‌‌کنیم بحث کنیم.

بحث در این است که چه مقدار محدوده جواز نظر به محارم هست؟

آقای خوئی فرمودند محدوده‌اش ما عدی العورتین است. منتها همان‌طور که صاحب عروه احتیاط واجب کرده، ایشان هم احتیاط واجب می‌‌کند می‌‌گوید عورت محارم به لحاظ حکم نظر و حکم ستر ما بین السرة‌ و الرکبة است چون روایت حسین بن علوان می‌‌گوید اذا زوّج الرجل أمته فلاینظرنّ‌ الی عورتها و العورة ما بین السرة و الرکبة. با این‌که أمه مباح است نظر‌، مولی می‌‌تواند به او نظر بکند اما اگر او را تزویج کرد به یک شخصی دیگر به عورت او نمی‌تواند نظر کند. و العورة ما بین السرة و الرکبة. آقای خوئی فرمودند این هم الف و لام جنس است‌، نه عورة الأمة، ‌ظاهرش این است که جنس عورت زن این‌طور است که ما بین السرة و الرکبة است. منتها قدرمتیقنش این است که بالنسبة به رجال نه بالنسبة به زنان دیگر.

مشهور همین را می‌‌گویند، می‌‌گویند جایز است نظر به جسد محارم غیر از عورت و جایز است خود محارم هم کشف کنند جسدشان را ما عدی العورة پیش مردان محرم‌شان.

و لکن عبارتی دارد فخر المحققین در ایضاح الفوائد‌، می‌‌گوید پدر من علامه حلی در قواعد فرموده که نگاه به بدن محارم وجه و کفین و قدمینش که قطعا جایز است، اما عورت هم که قطعا حرام است و ما بینهما متوسطات. سه قسم می‌‌کند فخر المحققین، یک قسمش پستان محرم است در هنگام شیردادن. خواهر انسان بچه‌اش را می‌‌خواهد شیر بدهد یا مادر بعضی‌ها در قدیم همراه با فرزندشان‌ که بچه‌دار می‌‌شدند مادر هم بچه‌دار می‌‌شد، آقا پسر می‌‌بیند مادر می‌‌خواهد برادر شیرخوارش را شیر بدهد پستانش را باز می‌‌کند، ‌خب این جایز است لشدة الحاجة الیه و مشقة الاحتراز عنه إختاره والدی و به أُفتی أنا. دوم پستان محرم در غیر حال شیردادن. سوم سایر بدن محرم. این دو قسم اخیر مورد اختلاف است. پدر من علامه حلی در قواعد گفته حرام است‌ نگاه به پستان محرم در غیر حال شیردادن و به غیر پستان محرم از سایر جسدش. و لکن خود فخر المحققین می‌‌گوید که والدم در تذکرة قائل به اباحه شده و اقوی هم همین است: اباحه نظر به ثدی و لو فی غیر حال الرضاع و به سایر بدن.

پس معلوم می‌‌شود که مسأله، مسأله اختلافی است.

در کتاب تنقیح مرحوم فاضل مقداد ایشان هم این‌جور می‌‌گوید، می‌‌گوید من حرم وطیها یعنی محارم یباح النظر منهن الی الوجه و الکفین و القدمین اجماعا و یحرم النظر الی الدبر و القبل و اما غیر ذلک من البدن فعلی ثلاثة اقسام الثدی حال الارضاع، ‌ایشان هم می‌‌گوید و هو یلحق بالوجه لشدة الحاجة ‌الی ظهوره فی اغلب الاوقات. دو: ‌الثدی لا فی حال الرضاع. سه: سایر البدن. و فی هذین القسمین خلافٌ. قال السعید. روشن نیست این سعید کیه؟ بعضی‌ها احتمال دادند این شهید اول است. اما در کتاب‌های شهید اول که همچون حرفی نیست. بعضی‌ها می‌‌گویند و قال السعید نیست قال السیوری یعنی خود فاضل مقداد [است]. در کتاب رسم بود اسم خودشان را می‌‌گفتند، ‌مثلا قال الطوسی‌، قال الحلی، قال علی بن بابویه. اسم خودشان را می‌‌گفتند. این هم احتمال دارد قال السعید تحریف قال السیوری بوده یعنی خودم. الاحوط انه یحرم ما عدی الوجه و الکفین و القدمین و ما یظهر عادة بحسب اکثر الاوقات. آنی که بطور متعارف در منزل آشکار می‌‌شود، ‌موی خواهر است، ‌موی مادر است، خب این عادتا آشکار می‌‌شود این اشکال ندارد به او نگاه بکند. اما آن‌هایی که عادتا مستور است، نه دیگه، این را اشکال دارد نگاه کردن به آن لان جسد المرأة کله عورة. دلیلش این روایت معتبره است:

هارون بن مسلم عن مسعدة بن صدقة عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال امیرالمؤمنین: قال النبی صلی الله علیه و آله: النساء عیٌ و عورة فاستروا عیهن بالسکوت و عوراتهن بالبیوت.

این مفاد این حدیث چیه؟ چقدر هم ما موفق شدیم به این احادیث عمل کنیم، دومی را نگوییم بهتر است، اولی وجوبی است یا استحبابی بعدا عرض خواهیم کرد.

[سؤال: ... جواب:] چه کسی می‌‌گوید حکم اخلاقی است؟ النساء عیّ‌ و عورة. فقهاء نگاه کنید، لمعه را ببینید! ما مثل اصحاب کهف می‌‌مانیم که بعد از خواب طولانی بلند شدیم دیدیم همه چیز عوض شده، خواب غفلت باعث شده همه چیز دیگه عوض بشه جلوی چشم ما. یک زمانی، ‌لمعه را نگاه کنید می‌‌گفتند اصلا حرام است سماع صوت اجنبیه. حرام است. نگاه کنید!. بله، من نمی‌خواهم بگویم این فتوی درست است، می‌‌خواهم بگویم یک زمانی جو این بود، ‌حالا جو این است که اصلا واجب است، ‌واجب فقهی یا واجب اجتماعی که زنان بیایند به صحنه و سخنرانی کنند و یک زن با یک مرد بنشیند در تلویزیون با همدیگر خوش و بش بکنند و الا جذاب نمی‌شود برنامه. بگذریم.

[سؤال: ... جواب:] عند الضرورة. ... حضرت زهرا هم خطبه خواند. ... حاجت عرفیه بود، ضرورت عرفیه. ... من نمی‌خواهم بگویم جایز نیست. اما مسلم بدانید خلاف نظر شارع مقدس است این‌که زنان در محیط اجتماع به این شکل آشکار بشوند. حرام نیست و لکن خلاف مذاق شارع است و لو در حد استحباب این‌که زنان آشکار نشوند در خیابان‌ها مگر برای حاجت عرفیه. حالا نمی‌شود این حرف‌ها را گفت، ‌ما هم شاید در خانه هایمان روی‌مان نشود این حرف‌ها را بزنیم، او بحث دیگری است یا جرأت نکنیم به قول آقا‌، حرف دیگری است. اما ترغیب شارع که به این سمت هست. ... حضرت صدیقه طاهره در روایت است که فرمود بهترین چیز برای زن این است که نه او مردی را ببیند و نه مردی او را ببیند. بله، من هم عرض کردم استحباب اما آیا صحیح است که ما هر روز تبلیغ کنیم بر ترک مستحبات؟ این صحیح است؟ حالا می‌‌گویید مستحب است، عمل نشود هم مهم نیست، اما مدام ترغیب کنیم به ترک مستحبات‌، این هم درست نیست.

[سؤال: ... جواب:] یعنی با صحبت نکردن با زنان بگذارید این‌ها عیّ و ناتوانی‌شان مخفی بماند. عیّ‌ یعنی ناتوانی. ... فاستروا عیهن بالسکوت و عوراتهن بالبیوت. ... فاستروا عوراتهن بالبیوت این چیه معنایش؟ این را معنا کنید.

[سؤال: ... جواب:] من که نمی‌گویم واجب است. قطعا از ادله مختلف استفاده کردیم که واجب نیست زن در منزل بماند یا مرد او را در منزل نگه بدارد، ‌حکم حکم استحبابی است. عرض خواهیم کرد غیر از سیره قطعیه متشرعیه بر جواز و لو کان حراما لبان و انتشر از روایات مختلف استفاده می‌‌شود اما فعلا بحث ما این است که فاضل مقداد می‌‌گوید النساء عورة و احوط این است که نگاه نکنیم حتی به محارم مگر آن مقداری که بدن‌شان آشکار هست.

انصاف این است که ما این فرمایش آقای خوئی را در رد این بزرگان‌ که فرموده است که آقا‌! این چه اشکالی است، اطلاق دارد استثناء در و لایبدین زینتهن الا لبعولتهن او آبائهن او آباء بعولتهن، اطلاق دارد، می‌‌گیرد ما عدا عورت را، این را ما نفهمیدیم.

آیه شریفه ظاهرش خود زینت است که بر بدن آویزان می‌‌کنند. روایات توسعه داده، ‌مواضع زینت را هم گفته مراد در آیه هست. الوجه و الکفان یا ما دون السوار فهو من الزینة ما دون الخمار فهو من الزینة یعنی آن‌ها هم مشمول زینت هستند. مواضع زینت کجاست؟ شکم زن مواضع زینت است؟ مواضع زینت گوش زن است، بینی زن بود که برخی یک چیزی را آویزان می‌‌کردند در برخی از مناطق، پای زن است که خلخال آویزان می‌‌کردند، دست زن است که بازوبند یا النگو می‌‌گذاشتند، ‌سینه زن است، سینه‌بند آویزان می‌‌کردند. دیگه شکم‌بند در زیورآلات ما نداریم. و لذا آقا! شکم، ‌پشت، فخذین، ‌الیتین، آخه این‌ها دیگه چه ربطی دارد به زینت و مواضع زینت؟ چه جوری از این‌ها می‌‌خواهیم استفاده کنیم جواز نظر را به ما عدا عورت محارم؟ البته آن الیتین را آقای خوئی بخاطر آن سره و رکبه جایز نمی‌داند، منتها او را مخصص آیه گرفته.

[سؤال: ... جواب:] ما دون السوارین من الزینة یا به این معناست که زیر این النگو هم جزء زینت است. ... چون موضع زینت است. ... نهی از ابداء زینت اولویت دارد که شکمش را هم زن نشان ندهد به نامحرم، فخذینش را نشان ندهد به نامحرم چه ربطی دارد به تجویز ابداء زینت برای پدرشوهر و پسر خواهر. بحث در استثناء است، یعنی و یجوز لهن ابداء زینتهن لآباء بعولتهن او بنی اخوانهن او بنی اخواتهن. بحث در این است، ‌خب این کجا دلالت می‌‌کند بر این‌که جواز ابداء فخذین و بطن و ظهر و این‌ها؟

و اما ظهور روایات: کدام روایت؟ موثقه سماعه که می‌‌گفت مصافحه، دست‌دادن. معتبره عبید بن زراره که اصلا راجع به کشف رأس بود. ربما استحیت المرأة ان تکشف رأسها و ربما استخف الرجل ان ینظر یعنی ان ینظر الی رأسها.

راجع به آن روایتی که در تغسیل زنی بود که از محارم است، خب روایت می‌‌گوید من وراء الثیات غسل میت بدهد این زنی را که از محارم است. خب من وراء الثیات عادتا یک بخش‌هایی آشکار می‌‌شود از بدن او، ظهور ندارد که به ما عدا عورت او می‌‌شود نگاه کرد.

بله، حق بود آقای خوئی می‌‌گفت اصلا مقتضی برای حرمت نظر به ما عدا عورت محارم نیست. مقتضی نداریم. قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم که گفتیم حذف متعلق مفید عموم نیست و ارتکاز متشرعی هم در محارم کالقرینة المتصلة است.

اما "النساء عیّ‌ و عورة": خب انصاف این است که النساء عی و عورة فاستروا عیهن بالسکوت و عوراتهن بالبیوت این ظاهرش اولا این است که در رابطه با اجنبی‌ها می‌‌گوید فاستروا عوراتهن بالبیوت، ‌خب در بیوت که فامیل‌ها و محارم هستند، یعنی به کوچه و خیابان نروند. اطلاق ندارد نسبت به محارم.

ثانیا: این حکم، ‌حکم استحبابی است. این‌که جسد زن کله عورةٌ، کله عورةٌ یعنی چی؟ یعنی نظر به عورت محارم هم جایز نیست پس نظر به کل جسد زنان محرم جایز نیست؟ خب این متفاهم عرفی نیست. این ظاهرش این است که تنزیل به لحاظ همین فاستروا عوراتهن بالبیوت است. عورت در اینجا به معنای خاص نیست. اصلا زشت است کسی بیاید تشبیه کند زن را به آن عورت بالمعنی الاخص. نه، ‌عورت یعنی ما ینبغی ان یستر یعنی آنی که زشت است آشکار بکنیم، ‌به این می‌‌گویند عورت. عورة المؤمن علی المؤمن حرام یعنی اذاعة سره. من تتبع عورات المؤمنین یعنی چیزهای پنهانی آن‌ها که مناسب نمی‌دانند آشکار بشود. النساء عورة یعنی مناسب نیست زن را آشکار کنیم، پس در منزل پنهانش بکنیم، خب این ربطی ندارد به این‌که محارم نمی‌توانند نگاه بکنند مطلقا الا ما خرج بالدلیل. و لذا ما بخاطر قصور مقتضی می‌‌گوییم نظر به ما عدا عورت زنان محرم جایز است لقصور المقتضی و لو سیره را هم بر عموم جواز حتی نسبت به آن جایی که متعارف نیست کشفش احراز نکردیم که واقعا سیره باشد که به شکم مادر یا خواهرش، به ران مادر یا خواهرش نگاه کند، این جایز باشد ما احراز سیره نکردیم ولی بخاطر قصور مقتضی می‌‌گوییم جایز است.

و اما اینی که آقای خوئی فرمود احتیاط واجب این است که از ما بین السرة و الرکبة زنان محرم اجتناب کنیم نگاه نکنیم دلیل‌شان روایت حسین بن علوان است.

یک بحث سندی است که ان‌شاءالله روز شنبه دنبال می‌‌کنیم. آقای زنجانی حسین بن علوان را که در سند این روایت است می‌‌گوید توثیق ندارد. این تعبیر که هست که کان الحسن اوثق من اخیه، ‌حسن بن علوان اوثق بود از برادرش حسین بن علوان‌ که آقای خوئی می‌‌گوید این دلیل بر این است که پس حسین بن علوان هم ثقه است، ‌آقای زنجانی می‌‌گویند نه، افضل التفضیل دلالت بر وجود مبدأ در طرفین نمی‌کند. دو تا آدم زشت را می‌‌بینید می‌آیند پیش شما می‌‌گویند حاج آقا! تو را به خدا به ما بگو کدام یکی از ما خوشگل‌تر از آن دیگری است؟ شما خوب نیست بگویید بابا! شماها که هیچکدام‌تان زیبا نیستید، هر دو تای‌تان زشت هستید. نه، او مقصودش کدوم یک از ما زیباتر از دیگری است یعنی زیبا نسبی. دو انسان زیبا هم ممکن است بگوییم این از او زشت‌تر است. دو آدم بی‌دین را بگوییم فلانی از فلانی دیندارتر است یعنی صد رحمت به او. آقای زنجانی این‌جور فرمودند.

[سؤال: ... جواب:] مجاز است؟‌ معلوم نیست مجاز باشد. دو تا بچه کوچک می‌‌گویی کدام هایشان از هم بزرگترند؟ دو تا پیرمرد می‌‌گویی این از او کوچک‌تر است با این‌که هیچکدام کوچک نیست. حالا ایشان اشکال‌شان این است باید بررسی کنیم.

و اشکال دلالی هم این است که العورة اگر اسم جنس است چرا مختص شد به عورت زنان در مقابل مردان؟ جنس است دیگه. عورت مردان در مقابل مردان، عورت زنان در مقابل زنان. خب شما اگر به این روایت عمل می‌‌کنید ملتزم بشوید اصلا عورت حتی استخر هم که مردها می‌‌روند باید ما بین السرة و الرکبة‌شان مخفی بشود چون العورة ‌ما بین السرة و الرکبة.

تامل بفرمایید ان‌شاءالله ادامه بحث روز شنبه. فردا محرمات.